

# راهبردهای آموزشی برای دانش آموزان استثنایی دوگانه

مؤلف: سوزان واینبرنر  
مترجم: دکتر زینب خانجانی  
عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز

## مقدمه

آیا کارتون مشهور «آن طرف» را دیده‌اید؟ در آن کارتون موضوع پسر بچه‌ای به تصویر کشیده شده که با تمام قدرتش در حال هل دادن دری است تا وارد مدرسه‌ای شود که ویژه کودکان سرآمد است. موضوع قابل توجه این است که به طور واضح علامت «بکشید» روی در نوشته شده است. هنگامی که این تصاویر را برای تماشاگران به نمایش گذاشتم، بسیاری از آنها شروع به خندیدن کردند و برخی سر خود را به علامت اندوه تکان دادند. سال‌هاست که دانش آموزانی همچون این کودک در آموزش و پرورش سرآمد باعث درماندگی و ناکامی مربیان و والدین گشته‌اند. چرا که توانایی‌های استثنایی آنان در برخی از زمینه‌های آموزشی به واسطه نقاط ضعف آنها در سایه قرار گرفته است. این امر به ویژه در برخی از مهارت‌های اجتماعی، و سازمانی آنان به چشم می‌خورد.

در کارگاه‌های آموزشی که برای مربیان برگزار می‌شود، اغلب عبارت‌هایی شنیده می‌شود که نشان دهنده ناکامی و درماندگی مربیان در رابطه با توصیف دقیق چنین افرادی است. از برخی جنبه‌ها، توانایی‌های استثنایی آنان واضح است. اما در بسیاری از زمینه‌های دیگر نارسایی‌های یادگیری آنان در ظاهر باعث شده است که موفقیت آموزشی آنها حتی در زمینه‌هایی که نقاط قوت دارند تقریباً ناممکن شود، زیرا هنگامی که این نوع افراد برای یافتن پاسخ یا حل مسأله جهش‌های شهودی می‌کنند، غالباً برخی از مراحل مهم را بدون توجه رد می‌شوند. گاهی این نوع دانش آموزان، مربیان و هم‌تایان خود را با گفته‌ها و داستان‌های کاملاً خلاق و بدیع تحت تأثیر قرار می‌دهند. اما هنگامی که مربیان‌شان از آنها می‌خواهند تا عقاید فوق‌العاده خود را بنویسند، چنین جواب می‌دهند که «من نمی‌توانم بنویسم». اینکه آیا این دانش آموزان واقعاً قادر به انجام دادن تکلیف نیستند یا صرفاً

سال‌هاست که والدین و معلمان در مورد کودکانی که در برخی از زمینه‌های یادگیری نقاط قوت چشمگیری داشته و در برخی از زمینه‌های یادگیری نیز نقاط ضعف شگرفی دارند، دچار سردرگمی شده‌اند. در ظاهر برای این گونه دانش آموزان عنوان مناسبی انتخاب نشده است: آیا نابغه‌اند یا به نوعی ناتوانی یادگیری دارند؟ سرانجام بحث در این مورد به اتمام رسیده است و اکنون مربیان آموزشی این گونه افراد را به عنوان «استثنایی‌های دوگانه» می‌شناسند. مربیان به جای استفاده از نقاط ضعف یادگیری این گونه افراد به عنوان گواهی برای اثبات این موضوع که آنان کودکان سرآمد واقعی نمی‌باشند؛ در حال حاضر به این امر واقف گشته‌اند که می‌بایست شرایط و فرصت‌هایی یکسان و مشابه دانش آموزان سرآمد را برای این گونه دانش آموزان به هنگام یادگیری در زمینه‌هایی که نقاط قوت آنها را تشکیل می‌دهد، فراهم آورند. هنگامی که دانش آموزان در حال یادگیری در زمینه‌هایی هستند که نقاط ضعف آنان را تشکیل می‌دهد، مربیان می‌باید تدابیر جبرانی مشابهی را که برای دیگر دانش آموزان با ناتوانی‌های یادگیری به کار می‌برند، برای این گونه دانش آموزان مهیا سازند. در این مقاله، روش آموزشی خاصی برای مربیان ارائه شده است تا به طور مؤثری به دانش آموزان استثنایی دوگانه آموزش دهند.

این کودکان خود به این موضوع واقف می‌شوند که موفقیت در یادگیری زمانی ممکن خواهد بود که آنها بتوانند از روش‌هایی که بر روی نقاط قوت‌شان متمرکز بوده سود جسته و نقاط ضعف‌شان را جبران نمایند.





«آن قدر تنبل» هستند که تلاشی برای انجام دادن تکلیف خواسته شده نمی کنند، مربیان را دچار سردرگمی کرده است. مربیان اغلب از نقاط ضعف یادگیری دانش آموزان به عنوان مدرکی استفاده می کنند تا به والدین و مدیر نشان دهند که این کودکان واقعاً سرآمد نیستند چرا که منظور مربیان از سرآمد، تیزهوشی در همه زمینه های یادگیری است. بعضی اوقات، مشکلات یادگیری دانش آموزان، توان و استعداد بالقوه استثنایی آنان را به سطح عملکرد بسیار متوسطی کاهش می دهد. مربیان از این امر در شگفت هستند که چطور والدین چنین کودکانی مدعی اند که فرزندانشان توانایی های استثنایی دارند. این در حالی است که باید عملکرد متوسط آنها به طور کامل راضی کننده باشد.

افزون بر واقعیت های بالا، توجه به این واقعیت که بعضی از دانش آموزان سرآمد بشدت فعال و ناسازگار هستند، ما را به پیش بینی این موضوع سوق می دهد که بسیاری از آنها را به عنوان کودکان دارای اختلال نارسایی توجه/فزون جنبشی یا اختلال های یادگیری تشخیص داده و یا در آینده چنین تشخیصی در مورد آنها داده خواهد شد و این کودکان احتمالاً خدمات مربوط به تعلیم و تربیت کودکان سرآمد را در سال های حضورشان در مدرسه دریافت نخواهند داشت (وب و لیتمر، ۱۹۹۳).

**در شروع هر سال زمانی را صرف کمک به دانش آموزان تان کنید تا تفاوت های موجود در هر چیزی را درک کنند، به آنها احترام بگذارند و حمایت کنند**

مربیان به تدریج ولی با اطمینان، به قبول این مسأله نائل آمده اند که این گونه دانش آموزان درگیر توانایی های دوگانه ای شده اند که ما اکنون به آن «استثنایی دوگانه» می گوئیم. در مورد کودکانی که در بعضی زمینه ها توانایی های استثنایی و در زمینه های دیگر ضعف هایی نیز دارند، متأسفانه بیشتر وقت کلاس روی ضعف دانش آموزان متمرکز می شود و به نقاط قوت آنان یا اصلاً توجهی نمی شود یا توجه کمتری می شود. آیا این کودکان سرآمد (تیزهوش) هستند؟ آیا این کودکان ناتوانایی های یادگیری دارند؟ بله... و بله!

مربیان متخصص در آموزش ویژه و سرآمد روش هایی را به منظور ایجاد و نگهداری بهترین شرایط یادگیری برای دانش آموزان استثنایی دوگانه کشف نموده اند. درک اینکه هر مشکل یادگیری خاص چگونه نمایان می شود، مهم است. اما

مهمتر از آن این است که مربیان، دانش آموزان استثنایی دوگانه را در استفاده از راهبردهای شناخته شده ای که نقاط ضعف آنان را جبران می کند ترغیب نمایند. در عین حال آنان بتوانند به طور هم زمان از فرصت هایی که دانش آموزان سرآمد در زمینه هایی که نقاط قوت دارند بهره مند شوند. چالش های یادگیری آنان اغلب از یک سری پیچیدگی های عصبی ناشی می شوند و این زمانی است که پیغام از محرک های اصلی به طرف مغز می رود. قبلاً بسیاری از دانش آموزان با همان نشانه ها به عنوان دانش آموزان مبتلا به اختلال های یادگیری شناخته می شدند، در حالی که هیچ علت عصبی یا نورولوژیکی به آن منسوب نمی شد. چنین دانش آموزانی بهتر بود که به عنوان «کودکان دارای ناتوانی در استفاده از راهبردهای یادگیری» مطرح می شدند. چرا که نتایج تحصیلی آنان زمانی که از تکنیک های مناسب جبرانی استفاده می کنند، به طور چشمگیری بهبود می یابد. این مقاله روش های یادگیری و آموزش خاص را مطرح می سازد که مربیان و والدین می توانند برای بهبود بخشیدن و تسریع پیشرفت یادگیری دانش آموزان استثنایی دوگانه در دو زمینه ی ضعف و قوت آنان از این روش ها استفاده کنند.

**به آنها آن گونه که یاد می گیرند آموزش دهید**

هنگام برنامه ریزی و آموزش راهبردهای جبرانی، مربیان باید به این امر واقف باشند که آموزش مفاهیم یکسان به شیوه های متفاوت بسیار مهم است. اگر دانش آموزان روش آموزشی ما را یاد نمی گیرند، به آنان به روشی آموزش دهید که قادر به فهم آن باشند.

وقتی ما به روش آموزشی ای ادامه می دهیم که شکست مداوم و مکرر کودک را به دنبال دارد، نتیجه چنین روشی به طور حتم باعث ناامیدی و دلسردی کودکان خواهد شد. اگر فرض یادگیرنده ها براین باشد که شکست های آنها در امر یادگیری به علت احمقی و تنبلی آنها بوده، اولین هدف آنها در کلاس این خواهد بود که این بی لیاقتی را از هم تایان و مربیان خود پنهان سازند. آنان براین باورند که لودگی و بد رفتاری های دیگر آنان می تواند بر فقدان توانایی آنها سرپوش بگذارد. وقتی کودکان در کلاس های مربیانی قرار می گیرند که می توانند روش آموزش مناسب با این کودکان را داشته باشند، این کودکان خود به این موضوع واقف می شوند که موفقیت در یادگیری زمانی ممکن خواهد بود که آنها بتوانند از روش هایی که بر روی نقاط قوت شان متمرکز بوده سود جسته و نقاط ضعف شان را جبران نمایند.

مربیان باید از ایجاد شرایطی که لنز فیلد<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) از آن با عنوان «توان سازی آموزشی»<sup>۲</sup> یاد کرده، بهره مند شوند. تحقیق او نشانگر

را روی نقص های آنان صرف کنید.

اولین دانش آموز استثنایی دوگانه ای که در کلاس پنجم ابتدایی با آن برخورد داشتیم، اریک بود. او مشکلات جدی با هر نوع تکلیف نوشتاری داشت که باعث شده بود دست خطی تقریباً ناخوانا داشته باشد. مهارت های ریاضی او ضعیف بود، مشکلات فراوانی در نوشتن جمله های پیوسته داشت و به نظر می رسید زمانی که از او خواسته می شود کاری را که چند لحظه قبل در انجام آن توانایی نشان داده بود به یاد آورد، احساس ناکامی زیادی می کرد.



هنگامی که بر روی نقشه ای کار می کردیم، کار آبی اریک واقعاً خارق العاده بود. او همیشه مسوول برنامه ریزی سفرهای تابستانی خانواده اش بود. او می توانست مسیرهایی که به همراه خانواده اش در سفرهای متفاوت تجربه کرده بود را با جزئیات شگفت انگیزی به خاطر آورد. او همچنین در هفت سالگی حافظه تصویری از پارک های ملی و بناهای تاریخی داشت. اریک از من سؤال کرد که آیا می تواند آنچه را در باره این موضوع هامی داند نشان دهد، چرا که او نمی خواست این مطالب را دوباره یاد بگیرد. من با خواسته او موافقت کردم و آزمون آخر فصل را به هر کس که می خواست آن را انجام دهد پیشنهاد نمودم. با توضیح اینکه هر کسی در آن آزمون نمره «الف» بگیرد اجازه خواهد داشت تمرین های اضافی به جای تمرین های عادی انجام دهد. اریک و چندین دانش آموز دیگر توانستند خواسته مرا برآورده سازند. اما من با مشکل بزرگی روبه رو شدم. من بشدت وسوسه شدم تا از مدت زمان مطالعات اجتماعی اریک برای درمان ضعف چشمگیر او استفاده نمایم. اما حقیقت این بود که اریک به طور استثنایی در محتویات درسی که هم کلاسی های او تازه شروع به یادگیری کرده بودند، توانایی فوق العاده ای داشت. بنابراین تصمیم گرفتم او نیز همانند هر کس دیگر در طول تمرین نقشه در یادگیری متمایز شرکت نماید. در مان می توانست در یک دوره کلاسی مناسب

آن است که تمایل ما به ارایه تکلیف های یادگیری آن چنان ساده است که کودکان بتوانند با انجام آن احساس موفقیت بکنند. با وجود این دانش آموزان هر چه بیشتر به این موضوع پی می بردند که مربیان شان از آنها انتظار انجام تمرین های در سطح کلاس خود را ندارند، به همان نسبت متقاعد می شوند که هیچ کس باور ندارد که آنان می توانند از عهده کارهای مشکل تر برآیند. به جای تأکید بر این امر که به علت شکست های مکرر، مشکل اصلی خود دانش آموزان است، به آنان کمک خواهیم کرد تا هر تعداد روش آموزشی را که لازم است تجربه کنند، بدین ترتیب روش مناسب را به دست آورده و امکان تجربه یادگیری در موارد درسی ای که در سطح معیارهای کلاسی است، برای این گونه دانش آموزان فراهم می آید.

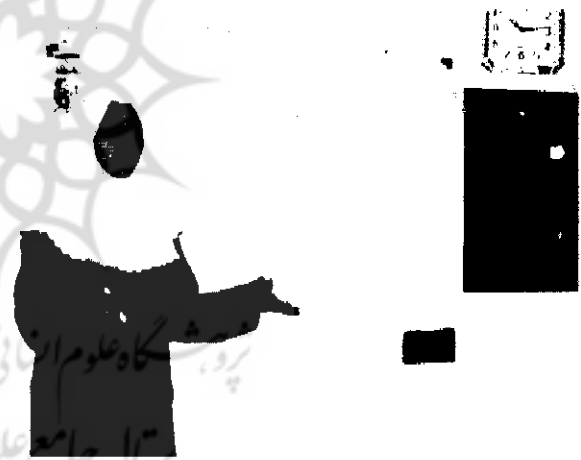
اخیراً یکی از دوستانی که مشکلات یادگیری او با توانایی گفتارش تداخل داشت گفت و گویی انجام دادم. از آنجایی که مکث، تکرار، پیگیری مطلب و فقدان حافظه در مورد آنچه که سعی داشت بگوید برای وی ناراحت کننده می نمود، بنابراین پیشنهادی به او دادم. از او خواستم که بازویش را باز کرده و از دستش برای ردیابی یک علامت فرضی که در طرفین خود قرار گرفته استفاده نماید و سپس از او خواستم تا چشمان خود را بر روی دستش متمرکز کرده و دستش را در قوس های بزرگی که از مرکز بدن او عبور می کند حرکت دهد. بعد از گذشت چند لحظه از این تمرین، او داستان خود را با روانی و سلاست قابل توجهی از سر گرفت. در این روش از برنامه ای به نام «ژیمناستیک مغز» استفاده شده است که مبتکر آن شخصی به نام دنیسون (۱۹۸۹) است. این روش بر اساس مفهومی است که تمرین های حرکتی مخصوص می تواند ارتباط بین نیمکره های مغز را تسهیل کرده و روانی و توانایی یادگیری تکلیف ها را بهبود بخشد. این یک مثال جالب از روش هایی است که نشان می دهد راهبردهای ساده جبرانی ممکن است یادگیری افراد دارای مشکلات یادگیری را آسان نماید و همچنین راهبرد مناسبی است برای یادگیرنده هایی که در نیمرخ استثنایی های دوگانه قرار گرفته اند. اصول آموزش دانش آموزان استثنایی دوگانه بسیار ساده است.

هنگامی که به دانش آموزان در زمینه هایی که نقاط قوت دارند آموزش می دهید، همان فرصت های متراکم و متمایزی را که برای دانش آموزان سرآمد دیگر قابل دسترسی است در اختیار آنها قرار دهید و زمانی که آموزش در زمینه های ضعف این کودکان است، هر نوع راهبردی را که آنان برای افزایش موفقیت در یادگیری شان احتیاج دارند به آنها آموزش دهید. هرگز از کار کردن روی نقاط قوت این کودکان غفلت نکنید و سعی نکنید زمان اضافی و بیشتری





انجام گیرد. در فهرست تمرین ها، انتخاب اریک این بود که یک کشور از خمیر کاغذ بسازد. از او خواسته شد مکان های متفاوت و مشخصات جغرافیایی را در کشور خیالی خود نشان دهد. همچنین از او درخواست شد تا دلیل انتخاب محل اجزاء و ارتباط بین آنها را توضیح دهد. دیگر دانش آموزان از آزادی اریک برای کار کردن بدین صورت ناراحت نمی شدند، زیرا هر کس در کلاس فرصت مشابهی برای پیش آزمون در اختیار داشت. تماشای کارکردن اریک علاقه ی دیگر دانش آموزان را برای خلق یک کشور خیالی برمی انگیزخت. ایجاد کشورهای گروهی به عنوان یک تمرین ایده آل برای همه ی بچه ها بود. در طی کار بر روی این برنامه، اریک به یک «مشاور در ساخت کشور» تبدیل شده بود. حالتی که اریک از این تجربه کسب کرده بود باعث شد تا برداشت هم کلاسی های اریک از توانایی های او بهبود یابد و به همان اندازه اریک نیز احساس خوبی در باره ی تجربه ی خود به دست آورد. بنابراین، این قانون را به خاطر داشته باشید: تازمانی که نقاط قوت دانش آموزان را آموزش نداده اید، هرگز ضعف آنان را درمان نکنید.



توصیه هایی برای معلم ها در رویارویی با چالش های یادگیری دانش آموزان

راهبردهای زیر چهار چوبی را فراهم می آورند تا به نیازهای خاص یادگیری دانش آموزان استثنایی دوگانه بپردازیم:

۱. به دانش آموزان آموزش دهید تا ارزش تفاوت های فردی را درک کنند، برای آنکه همه ی دانش آموزان کلاس این تفاوت را قبول داشته باشند.

معلمان باید زمانی را برای کمک به همه ی دانش آموزان صرف کنند تا تفاوت های فردی را درک کرده و به ارزش آنها پی ببرند. به نظر می رسد که در مدارس ما به این امر زیاد توجه نمی شود. مدرسی که از برنامه های درک تنوع فرهنگی حمایت

می کنند، از این امر غافل اند که محدود کردن تلاش های معلمان به نفع دانش آموزان دارای فرهنگ های دیگر، کار کوهه بینانه ای است. چرا نبایستی از همان نوع تکنیک ها برای کمک به دانش آموزان برای پذیرش بیشتر تفاوت های فردی استفاده شود. در شروع هر سال زمانی را صرف کمک به دانش آموزان تا آنکه کینید تا تفاوت های موجود در هر چیزی را درک کنند، به آنها احترام بگذارند و حمایت کنند. زمانی که معلمان بتوانند به طور مداوم به دانش آموزان این موضوع را انتقال دهند که این تفاوت ها مثبت بوده و شرایط مطلوبی را ایجاد می کنند، دانش آموزان نیز از معلمان خود پیروی نموده و پذیرش تفاوت های فردی عملی خواهند شد. اگر به گذشته بسیاری از دانش آموزان که در مدارس مرتکب خشونت می شده اند نگاهی بیندازیم، متوجه خواهیم شد که آنها به طور بی رحمانه ای به علت تفاوت های قابل توجه شان مورد تمسخر دیگران واقع شده اند. تلاش برای احترام به تفاوت های یادگیری می بایست در طول سال تحصیلی ادامه داشته باشد. معلمان مدارس باید سیاست هایی پیش بگیرند تا از مسائلی چون مسخره کردن، اسم گذاشتن و دیگر کارهای آیدایی که نشان دهنده طرد و عدم پذیرش بچه ها به هر دلیل است ممانعت به عمل آید.

با در نظر گرفتن این ضرب المثل که «کودکان همیشه کودک هستند» یعنی کودکان همیشه کودکانه رفتار می کنند و رفتارشان قابل بخشش است، به نظر می رسد که این امر کار مشکلی باشد. آیا این امکان وجود دارد که دانش آموزان به جای چنین هم رنگی با دیگران، یاد بگیرند که بیشتر مدارا کنند. باور من بر این است که این امکان وجود دارد برای مثال شهروندان آمریکایی نگرش های خود در رابطه با رانندگی تحت تأثیر مواد اعتیاد آور را تغییر داده اند. بیست سال پیش، لطیفه هایی در باره ی رفتار افراد مست در همه جا شنیده می شد، اما حالا این چنین شوخ طبعی هایی، جلوه ی سیاسی کم رنگ تری به خود گرفته و صرفاً این گونه شوخی ها تلاشی است برای حفظ جان رانندگانی که به علت مستی در بزرگراهها جان خود را از دست می دهند. اگر کشوری بتواند فرهنگ خود را در جهت مثبت تغییر دهد، مدارس نیز می توانند چنین کاری را انجام دهد.

**اعتماد به نفس دانش آموزان زمانی تضعیف خواهد شد که برای تکلیف هایی که با تلاش اندک انجام داده تشویق شده و یا نمره های بالایی دریافت کنند**

اگر دانش آموزان از یادگیری فردی به گونه ای متفاوت خوشود شوند، در آن صورت می توانند گوناگونی بین افراد را درک نمایند. به علاوه باور من این است که این امر می تواند حتی بدون حمایت آشکار والدین نیز انجام پذیرد. اگر چه داشتن حمایت والدین نتیجه ی بهتری خواهد داد ولی این امر همیشه میسر نیست. اصولاً قواعد کلاس ها گسیختگی زیادی را در مقایسه با آنچه که در بعضی منازل این نوع دانش آموزان یافت می شود، منعکس می کند. توجه به تنوع و تفاوت های می تواند فرضیه دیگری را فراهم سازد تا دانش آموزان به این موضوع اشراف پیدا کنند که «ما کارهایمان را به طور متفاوتی در مدرسه انجام می دهیم و باید این چنین باشد». تنها عرصه ای که مربیان می توانند تأثیر واقعی داشته باشند مدرسه است. اگر باور معلمان بر این است که آنان می بایست منتظر باشند تا خانواده ها اصول و ارزش های صحیح را به کودکان شان انتقال دهند، در آن صورت در برخی از مواقع باید زمانی طولانی منتظر شوند. حال زمان آن فرارسیده تا کلاس را به عنوان مکانی برای این گونه اصلاحات در نظر بگیریم.

### اطمینان حاصل کنید که دانش آموزان تصویر کلی موضوع را قبل از یادگیری جزئیات و اجزاء آن درک نموده اند

۲. مراقب باشید که بسیاری از دانش آموزانی که مشکلات یادگیری دارند به عنوان یادگیرندگان یکپارچه "محسوب می شوند.

آنان برای موفقیت در یادگیری شکل های دیداری، لمسی و حرکتی را ترجیح می دهند. برخی از دانش آموزان که دارای مشکلات یادگیری هستند احتمالاً در زمینه های حسی مشکلاتی دارند. آنان ممکن است در محل های کاملاً آرام احساس ناراحتی کنند. محل های کم نور را ترجیح دهند، فرصت های موجود برای جنب و جوش را پذیرا باشند و یا ممکن است وضعیت های جسمانی آرمیده ای را برگزینند (کاربو، دان و دان، ۱۹۸۶). معلمان بایست حق انتخاب زمینه های فعالیت متفاوت را در اختیار این کودکان قرار دهند. این کودکان بایستی برای انتخاب مکان و فعالیت های خود آزادی داشته باشند و همچنین از سه قاعده ی زیر در طی فعالیت های خود پیروی نمایند:

■ هیچ کس حتی معلم را در طی فعالیت های خود ناراحت نکن.

■ توجه کسی را به خود و یا به این موضوع که شما فعالیت هایی را متفاوت از دیگران انجام می دهی جلب نکن.

■ کاری که قرار است انجام بده.

دانش آموزانی که از این انتظارات پیروی می کنند در انتخاب مکان فعالیت خود آزاد هستند. ولی دانش آموزانی که این رهنمودها را رعایت نمی کنند، محل فعالیت آنها توسط معلم یک روز در میان انتخاب می شود (وین برینر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶).

۳. همیشه محتوای موضوع را با مفاهیم کلی شروع کرده و سپس به جزئیات پردازید.

اطمینان حاصل کنید که دانش آموزان تصویر کلی موضوع را قبل از یادگیری جزئیات و اجزاء آن درک نموده اند. راهبردهایی که در این امر مفید خواهد بود عبارت اند از: راهبردهای زمینه یابی و پرسش از روی مطالعه ی SQ3R (رابینسون<sup>۲</sup>، ۱۹۷۰). تماشای ویدئو قبل و بعد از مطالعه ی داستانی که با صدای بلند خوانده شود، قبل از اینکه به تنهایی آن را بخواند و کارکردن از روی تصاویر گرافیکی که بر روی یک صفحه قرار گرفته اند، به طوری که دانش آموزان بتوانند از محتویات کلی یک فصل موضوع را بفهمند. بنابراین بهتر است همه ی مهارت ها در محتوای معنی داری ترکیب شوند و فعالیت های یادگیری، معجزه از هم تدریس نشوند.

۴. به دانش آموزان پیاموزید که چگونه هدف های کوتاه مدت عملی را تعیین کرده و در رسیدن به این هدف ها امتیاز می گیرند، حتی در صورتی که فقط قسمتی از کل تکلیف را انجام دهند.

این روش به طور چشمگیری به یادگیرندگان دلسرد کمک خواهد کرد تا به طور مثبت برای تلاش بیشتر در فعالیت شان برانگیخته شوند، زیرا که این امر تکلیف های طولانی را قابل اجرا می سازد. بهتر است طرح ریزی تکلیف های کلاس و تکلیف های درسی مربوط به منزل، بر اساس زمانی که از دانش آموزان انتظار می رود، صورت پذیرد. بنابراین تکلیف ها نمی بایست بر اساس تعداد مسائل و یا مقدار معینی از تمرین که باید انجام شود، تعیین گردد. والدین نیز می توانند با کنترل نمودن زمان تعیین شده در این امر همکاری داشته باشند. این روش بر روشی که دانش آموزان چندین ساعت خسته کننده را صرف کامل کردن تعدادی از فعالیت های اجباری کنند، بهتر خواهد بود. هنگامی که معلمان از دانش آموزانی که تکلیف های خانه ی خود را انجام نمی دهند ناراحت و دلسرد می شوند، باید به این موضوع توجه داشته باشند. که آیا این دانش آموزان «توانایی» انجام آن فعالیت را دارند یا نه. یعنی معلمان باید اطمینان حاصل کنند که دانش آموزان در







طی زمان صرف شده در کلاس به اندازه‌ی کافی مطلب را یاد گرفته‌اند، می‌توانند با استفاده از مهارت‌های خود تکلیف خواسته شده را در منزل انجام دهند. به عبارت دیگر، والدین یا مراقبان کودک باید مکان مناسبی برای انجام تکلیف مدرسه فراهم نمایند.

**۵. تدریس باید طوری باشد که یادگیری گذشته را با محتوای فعلی در هم آمیزد.**

به منظور یادگیری و عمومیت بخشیدن به مهارت‌های جدید توسط دانش آموزان، آنها باید قادر باشند از ابزاری که کلمه‌ها را با تصاویر و طرح‌هایی آمیخته کرده است، استفاده نمایند. در موقع صحبت کردن، می‌توانید کلمه‌ها را با شکل‌های دیداری در هم آمیزید.

**۶. همه‌ی حواس را در فعالیت‌های یادگیری بکار گیرید.**

از قطعه‌های موسیقی کوتاه و شعرهای کودکانه برای دانش آموزانی که به این روش‌ها پاسخ می‌دهند، استفاده نمایید. شرکت‌هایی که مواد کمک‌درسی و آموزشی را تهیه می‌نمایند اغلب چنین ابزاری را برای فروش عرضه می‌کنند. برای بسیاری از دانش آموزان خواندن و یادزمره کردن محتوای درسی، تسلط به موضوع را راحت‌تر خواهد ساخت.

در تکلیف‌های یادگیری، حرکت را همراه سازید. نیاز به حرکت را به عنوان یک سبک یادگیری فعال مورد توجه قرار دهید و مشاهده نمایید که چگونه حرکت به برخی از دانش آموزان کمک می‌کند تا بعضی از مواد درسی خاص را یاد بگیرند. برای آرایه پاسخ به سؤال‌ها، از دانش آموزان بخواهید تا بایستند و یا بپرند. برای نشان دادن پاسخ در قسمت‌هایی که دانش آموزان بتوانند به نقاط مختلف کلاس بروند، از بازی‌های گروهی استفاده نمایید. به منظور حرکت دادن دست‌هایشان اجازه دهید از وسایلی که قابل فشار دادن می‌باشند (توپ‌های فشاری) استفاده کنند. از نامیدن دانش آموزان جنبشی به عنوان کودکان اختلال نارسایی توجه / فزون جنبشی، بپرهیزید.

به این موضوع توجه داشته باشید که دانش آموزان استثنایی دوگانه اغلب موقعیت‌های یادگیری تجربی و عملی را ترجیح می‌دهند. چنین موقعیت‌هایی باعث می‌شود تا دانش آموزان از مطالب عینی به مطالب ذهنی دست یابند و در ضمن هنگام پرداختن به موضوع‌های انتزاعی به کار بردن اشیاء و اجسام به درک هر چه بهتر کمک خواهد نمود. در تکلیف‌هایی که تعیین می‌کنید از ماکت‌ها، الگوها، طرح‌های عملی و یا وسایل دیداری استفاده کنید، زیرا دانش آموزان مفاهیم را می‌توانند هنگام «اجرا نمودن» بهتر درک نمایند. متأسفانه گاهی اوقات مربیان چنین فعالیت‌های آموزشی را انجام نمی‌دهند، زیرا تصورشان آن است که کنترل رفتار

کلاسی بدین ترتیب مشکل‌تر خواهد شد. عجیب آن است که دانش آموزان زمانی که واقعاً علاقه‌مند و درگیر آنچه که یاد می‌گیرند باشند، احتمال بروز رفتار قابل قبول از آنها بیشتر است. بگذارید دانش آموزانی که سعی دارند متنی را بخوانند، قبل از اینکه داستان مورد نظر در کلاس خوانده شود از روی نوار به آن گوش فرادهند. شنیدن یک مطلب از روی نوار این امکان را برای بسیاری از دانش آموزان فراهم خواهد ساخت تا در بحث‌های کلاسی و فعالیت‌های مربوطه فعال‌تر شرکت نمایند.

**۷. آموزش لازم در رابطه با روش‌های نظم‌بخشی به وسایل شخصی را آرایه دهید.**

برای موضوع‌های مختلف درسی دفترهای یادداشت رنگی را که کدگذاری شده است تهیه کنید و دو سری از کتب درسی دانش آموزان را فراهم نمایید؛ یکی برای کلاس و دیگری برای نگهداری در منزل. به دانش آموزان آموزش دهید تا کمدها، میزها و وسایل شان را منظم نمایند؛ به آنان یاد دهید تا برای پیگیری تکلیف‌ها و برنامه‌های بلندمدت تعیین شده از دفترهای تکلیف یا دفترچه‌های شخصی موجود در میزهایشان استفاده نمایند. از هر روشی که کارساز است استفاده نمایید.

**۸. از هر روشی که باعث بهبود بازدهی دانش آموز می‌شود استفاده کنید.**

### هرگز از کار کردن روی نقاط قوت این کودکان غفلت نکنید و سعی نکنید زمان اضافی و بیشتری را روی نقص‌های آنان صرف کنید.

استفاده‌ی دانش آموزان از وسایلی همچون ماشین حساب، ضبط صوت و یا واژه‌پرداز را نباید به عنوان «تقلب» پنداشت. چنین ابزار کمک‌آموزشی سبب خواهد شد تا دانش آموزان به جای پرداختن به موضوع‌های ناچیزی همچون املای واژگان، بتوانند بر محتوای انتزاعی درس تمرکز نمایند. به علاوه آموزش دانش آموزان در بکارگیری فناوری باعث فراهم نمودن مهارت‌های مفید زندگی می‌شود.

**۹. آزمون‌ها را به صورت جداگانه و در محیطی که کنترل شده اجرا کنید، زیرا بدین وسیله دانش آموزان خواهند توانست سؤال‌ها را با صدای بلند برای خودشان بخوانند و یا فرد دیگر برای آنها خواهد خواند.**

برخی از دانش آموزان هنگامی که صداهای عادی کلاس را می‌شنوند تمرکزشان را از دست می‌دهند. محل آرام، امکان تمرکز

حواس را فراهم می آورد. به علاوه گوش دادن به سوال هایی که برایشان با صدای بلند خوانده می شود، کمک خواهد نمود تا سوال ها را بهتر متوجه شوند.

### توصیه هایی به مربیان برای مساعدت به توانایی های چشمگیر دانش آموزانی که استثنایی دو گانه می باشند.

اغلب برای معلمان درک این مسأله که دانش آموزان دارای مشکلات یادگیری ممکن است در عین حال در برخی از زمینه های یادگیری سرآمد باشند، مشکل است. با وجود این چنانچه به یاد داشته باشیم که تعریف دقیق دانش آموزان استثنایی دو گانه گفته مذکور است، در آن صورت به دیدی متفاوتی به آنها نگاه خواهیم کرد. بگذارید این گونه دانش آموزان از همان فرصت های مشابه فشرده و «متمایز شده» که برای دیگر دانش آموزان وجود دارد بهره مند شوند. از پیش آزمون ها برای اثبات تسلط قبلی آنان به مطالبی که ارائه خواهد شد، استفاده نمائید. فرصت هایی برای دانش آموزان فراهم آورید که مطالب جدید را سریع تر بخوانند و از زمان اختصاص یافته برای فعالیت هایی که مربوط به موضوع های مورد علاقه ی آنان است استفاده نمایند (وینبرنر<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۰). فشرده سازی<sup>۱۴</sup> به روندی اشاره دارد که در آن دانش آموزانی که فوق العاده توانا هستند، می توانند تسلط قبلی خود را به برخی مطالب درسی خواسته شده، نشان دهند.

فشرده سازی همچنین هنگامی رخ می دهد که این گونه دانش آموزان در مقایسه با گروه های هم سن خود برای یادگیری موضوع های جدید به زمان کمتری احتیاج داشته باشند (رزولی<sup>۱۵</sup>، ۱۹۷۷). هنگامی که نیاز به فشرده سازی حس شود، روند متمایز سازی<sup>۱۶</sup> یا جدا سازی را به دنبال خواهیم داشت. بنابراین، هنگامی که دانش آموزان نشان دهند که برنامه های عمومی درسی شان تلاش را در آنان بر نمی انگیزد، می توانند به تمرین های و یا موضوع های دشوارتر و متفاوتی بپردازند. دانش آموزان سرآمد سزاوار چنین فرصت هایی می باشند، نه اینکه صرفاً آنان سرآمد هستند، بلکه تمامی دانش آموزان حق تجربه نمودن تمامی هدف های و وعده های آموزشی را دارند. چنانچه چنین هدف های آموزشی دانش آموزان را قادر سازد تا از بالاترین سطح قوه ی یادگیری خود در آموزش استفاده نمایند. بنابراین دانش آموزان سرآمد می بایستی به تمرین هایی دسترسی داشته باشند که برای آنان چالش برانگیز باشد. اگر نوع به منزله ی توانایی یادگیری بالاتر از حد انتظار از گروه های هم سن است، پس درک

نیاز به یک طرح درسی متمایز شده، امری طبیعی است. مربیان اغلب نمی توانند به فواید واقعی «متمایز سازی» واقف شوند، مگر واقعاً ارزش به چالش طلبیدن دانش آموزان را در موقعیت هایی که قبلاً نبوده اند مشاهده نمایند. دانش آموزان سرآمد گاهی توانایی های واقعی خود را در یادگیری نشان می دهند، به ویژه هنگامی که برای فعالیت های خود تلاش آن چنانی نکرده اما نمره های بالایی گرفته باشند. اگر چه مربیان بر این باورند که نیازهای دانش آموزان در رابطه با عزت نفس آنها در یادگیری مطالب می باید بر طرف شود، اما تعداد معدودی از مربیان به این امر واقفند که عزت نفس دانش آموزان صرفاً زمانی افزایش خواهد یافت که موفقیت به واسطه ی تکلیف هایی که از نظر فرد چالش برانگیز است، به دست آید. (ریم<sup>۱۷</sup>، ۱۹۸۶). ایجاد عزت نفس بالا مستلزم آن است که دانش آموزان بتوانند خودشان را در محیط هایی که اشتباهاتشان جایز شمرده شده و نیز تلاش ها و موفقیت هایشان ارج نهاده می شوند به چالش بطلبند.



اعتماد به نفس دانش آموزان زمانی تضعیف خواهد شد که برای تکلیف هایی که با تلاش اندک انجام داده تشویق شده و یا نمره های بالایی دریافت کنند. این گونه دانش آموزان همواره یاد می گیرند تا راحت ترین راهها را انتخاب کنند و یا به صورت خلاقانه ای از چالش ها اجتناب کنند. دیگر دانش آموزان هراس شان از آن است که چنانچه آنان مطلب چالش زایی را امتحان کنند و به تسلط سریع بر مطالب دست نیابند، در آن صورت دیگران چنین برداشت خواهند نمود که آنان واقعاً آن چنان هم با هوش نیستند. صرف بر آوردن حداقل استانداردهای ارزیابی رسمی به عنوان مدرک دال بر یادگیری دانش آموزان سرآمد امر مضحکی می باشد. هنگامی که امکان فرصت های فشرده سازی و متمایز سازی به صورت مرتب وجود داشته باشد، دانش آموزان سرآمد می توانند به طور قابل توجهی از وقت کلاس خود را صرف انجام تمرین متمایز شده کنند و این در حالی است که هم کلاسی های آنان





برای آزمون دشوارتر این موضوع ها آماده می شوند. در تمامی تلاش های صورت گرفته در رابطه با فشرده سازی و متمایز سازی می بایست توصیه و رهنمودهای زیر مد نظر باشد. بسیاری از کودکانی که استثنایی دو گانه هستند نمره های تستی استاندارد شده نامتوازن دارند. چنین نمره های تستی این وضعیت ارایه می دهد. یعنی به طور چشمگیری نمره های آنها را بالا و یا پایین می سازد و به همان نسبت نمره های آنان در دامنه ی متوسطی قرار می گیرد.

تمامی فعالیت های یادگیری از جمله بخش های موضوعی "و میان رشته ای" می بایند شامل فرصت های پیش آزمون قابل دسترسی برای دانش آموزان باشند. چنین پیش آزمون هایی، ویژه دانش آموزانی طراحی شده است که دانش قبلی، آگاهی و تسلط فرد از مفاهیم، مطالب و مهارت های آنها را نشان می دهد. هر روش طراحی شده برای ارزیابی پیشرفت آموزشی دانش آموزان در طول دوره یا پایان آن، می تواند همان روشی باشد که بدان وسیله بتوانیم ارزیابی ها را به اجرا در آوریم.

پیش آزمون چه به شکل کتبی و چه به صورت اجرای عملی در مورد تکلیف برگزیده باشد، هر دانش آموزی که بخواهد در آن شرکت نماید می بایست مورد تشویق قرار گیرد. چنانچه در طی ارزیابی، دانش آموزان نشان دهند که نمی توانند از عهده ی محتویات درسی لازم برآیند، می باید دوباره برای ادامه فصل درسی مورد نظر به هم کلاسی های خود ملحق شوند و از آنجا به بعد تمرین های لازم را انجام دهند.

هنگامی که دانش آموزان علاوه بر تمرین های اضافی یا به جای آنها نیاز به تسریع در محتویات درسی خود همچون درس ریاضی یا خواندن و درک مطلب داشته باشند، تسریع ارایه محتویات بایستی صورت گردد. این کار حتی هنگامی که سطح دانش آموز در دیگر درس ها پایین تر از سطح کلاس بالاتر در مورد موضوع هایی که آنان قوی ترند همکاری نمایند. در موقعیت های نادر دیده شده است که سطح یادگیری دانش آموزان به صورت چشمگیری از سطح یادگیری هم سن هایشان بالاتر است. در آن صورت تکنیک های «تسریع سازی»<sup>۳۳</sup> و یا «ترفیع سازی»<sup>۳۴</sup> به عنوان راه چاره ی دیگری پیشنهاد می شود.

نگران موضوع رفتار منصفانه نباشید، چنانچه دغدغه فکری شما دیگر دانش آموزانی هستند که احتمالاً از راهکارهای موجود برای دانش آموزان سرآمد و یا آنهایی که مشکلات یادگیری دارند ناراحت می شوند، کافی است بگذارید تا برای مدت زمان کوتاهی آنان نیز در راهکارهای ارایه شده ی شما شرکت نمایند. هنگامی که در فواصل زمانی مشخص نیاز به ارزشیابی باشد، تشخیص

دانش آموزانی که دیگر نباید روند فشرده سازی را ادامه دهند، و یا تشخیص آن دسته از دانش آموزانی که لازم است به آنها آموزش مستقیم ارایه شود، بسیار راحت است. همچنین بهتر آن است که برخی اوقات بگذارید تمامی اعضای کلاس فعالیت های اضافی را خود انتخاب کنند، حتی اگر در مقایسه با هنگامی که شرکت کردن در تمرین هایی که مخصوص پیش آزمون است، برای همه دانش آموزانی که فکر می کنند می توانند در جاتی از تسلط درخواست شده را اثبات کنند، در آن صورت به شرطی که تمرین های عادی جالب و چالش برانگیز باشند، دانش آموزانی که قادر به انجام این گونه تمرین ها نیستند ناراحت نخواهند شد. دانش آموزانی که بعد از پیش آزمون برای تمرین های «متمایز سازی» واجد شرایط باشند، بیشتر وقت کلاسی خود را صرف تمرین های اضافی خواهند نمود که توسط مربی یا خود دانش آموز انتخاب شده است. از این گونه دانش آموزان خواسته می شود زمانی که مربی مطالبی را که دانش آموزان به آن تسلط ندارند را ارایه می دهد، به آموزش مستقیم وی دقت کنند.

در درس هایی که پیش آزمون به واسطه ی تازگی محتوای مطلب امکان پذیر نباشد، مربیان وقت و زمانی را که دانش آموزان می باید صرف یادگیری مطالب برگزیده کنند را کمتر خواهند کرد. دانش آموزانی که مایل باشند می توانند از کتاب های راهنمای درسی برای یادگیری مضمون های برگزیده که هماهنگ و متعادل با سرعت یادگیری آنهاست، استفاده کنند.

این کار باعث می شود تا آنان دیگر مجبور به انجام همان تمرین هایی که دیگر دانش آموزان انجام می دهند نباشند. در عوض وضعیت کلاسی آنان صرف ایفای نقش فرد خیره یا استاد در موضوع مربوط به محتوای درس خواهد شد. هنگامی که آنان آنچه را که یاد گرفته اند با دیگران تقسیم کنند، محتوای درسی برای همه غنی و برابر خواهد بود. در طی مدتی که فصلی از کتاب خوانده می شود، این گونه دانش آموزان همان گونه ارزیابی خواهند شد که دیگر افراد مورد ارزشیابی قرار می گیرند. این امر به مربی کمک می کند تا به اثبات رساند که آنان مطالب مورد نظر را یاد گرفته اند. هنگامی که دانش آموزان از عهده ی این کار برآیند مجاز خواهند شد تا بر روی برنامه های خود کار کنند. دانش آموزانی که نقش «استاد» را ایفا می کنند، زمان کمتری را صرف این گونه فعالیت ها می کنند.

#### خلاصه

آموزش کودکانی که استثنایی دو گانه هستند کار بسیار دشواری است. بزرگترین مشکل اساسی آن است که تیزهوشی این دانش آموزان به بهانه پرداختن به مشکلات یادگیری آنان



مقایسه با گذشته منابع بیشتری در اختیار مربیان قرار دارد، تا بدین وسیله بتوانند طرح های آموزشی خود را که باعث غنی تر شدن تجربه های آموزشی دانش آموزان می شود به اجرا در آورند.

نادیده گرفته می شود. هر گونه تلاشی که مربیان معطوف به درک کودک و آموزش وی می سازند، در نهایت باعث ایجاد شرایط مطلوب یادگیری برای آنان خواهد شد. خوشبختانه، امروزه در



1. Twice - Exceptional
2. Far side
3. Gifted education
4. organizational skills
5. Intuitive leaps
6. Webb and Latimer
7. Land fried
8. educational enabling
9. Brain Gym
10. dennison
11. global learner
12. wine Brenner
13. Robinson
14. semantic maps
15. vocabulary maps
16. Winebrenner
17. compacting
18. Renzulli
19. differentiation
20. Rimm
21. thematic
22. interdisciplinary
23. radical acceleration
24. double promotion

زیر نویس ها:



منبع:

Winebrenner, Susan , (2000). Teaching Strategies for Twice - Exceptional Students. Intervention in School and Clinic . Vol . 38, NO. 3, January , PP. 131- 137.

